

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دنيس ميرونوف-تورسکي- (Denis Mironov- Tverski)

ترجمه و پاورقی توسط: ا. م. شیرینی

۱۳ دسمبر ۲۰۱۴

مزدوران در دولت

مزدوران در دولت پاراشنکو- یاتسنیوک تثبیت شدند.

عادت کرده ایم که نیروی انسانی خارجی به جزء جدائی ناپذیر زندگی روزمره در دهکده جهانی تبدیل گردیده است. نه تنها انبوه کارگران ساده، بلکه، مربیان ورزشی و ورزشکاران، هنرپیشگان و هنرمندان موسیقی، استادان دانشگاه و دانشمندان در جهان با مزد بالا دست به دست می شوند. اکنون کارکنان خارجی... سمت وزارت می گیرند. این سنت اولین بار در اوکراین پایه گذار شد.

در روزهای آغازین ماه نومبر پطر پاراشنکو ضمن این که خواستار تجدید کامل اعضای هیأت دولت گردید، تأکید نمود که کابینه باید با شرکت متخصصان تشکیل گردد. جست و جو برای یافتن افراد واجد شرایط برای احراز مقام وزارت بلادرنگ آغاز شد. برای دادن سمت و سوی لازم به این درخواست، نخست وزیر اوکراین، آرتمی یاتسنیوک پیشنهاد تأسیس معاونت همگرایی اروپا را داد. او اظهار داشت، که در نظر دارد این پست را به «یکی از رهبران اروپا» که «کشورهای اروپائی را به اجتماع در اتحادیه اروپا» ترغیب نمود، بسپارد. نخست وزیر از کسی نام نبرد، اما سمت و سوی جست و جو را تعیین نمود.

برای جست و جوهای فعال، طبق گزارشات رسمی، دولت اوکراین بیش از ۸۰ هزار دالر امریکا به سازمانهای مختلف پرداخت کرد. با این حال، مهم این است که کارفرمایان بلافاصله دست به کار شدند. یاتسنیوک منطقه اروپا و امریکا را، و پاراشنکو آسیای نزدیک و خاورمیانه را برای جست و جو انتخاب کرد. شکارچیان زیادی برای شکار پست وزارت یافت شدند. معلوم نیست واقعاً چقدر، اما همه خارجی- طرفدار همگرایی با اروپا، اتباع امریکا، لیتوانی، المان، سلواکی و حتی گرجستان بودند.

هنوز آواکوف به صندلی خود در وزارت کشور تکیه نکرده بود، که پاراشنکو یک تبعه گرجستان، زوراب آدیشویلی را برای احراز پست معاونت او پیشنهاد کرد. اتفاقاً همه پیشنهاد شدگان واجد شرایط از طرف رئیس دولت، چهره های شناخته شده و دسته گل گندبو به آب داده ای بودند که تحت تعقیب پولیس بین المللی هستند: سوءاستفاده از مقام و موقعیت، جعل اسناد و مدارک، رفتار غیرانسانی با زندانیان... البته، می شد به این امر چشم فروبست، اما به احتمال این که غرب ممکن است به طور ناگهانی «نجابت» نشان دهد، نامزدی را رد کردند...

ضمناً، از میخائیل ساکاشویلی، رئیس جمهور سابق گرجستان که در حال حاضر در امریکا اقامت دارد، برای احراز مقام نخست وزیری دعوت به عمل آوردند. اما او در این حال و هوا نبود. در پاسخ، میخائیل ساکاشویلی اظهار داشت:

«برای من گرجستان در اولویت قرار دارد. تنها به این دلیل با این پیشنهاد موافقت نکردم». البته، رئیس جمهور سابق گرجستان کارهای زیادی در میهنش دارد. اول ماه اگست سال ۲۰۱۴ دادگاه شهر تفلیس بنا به درخواست دادستان کل گرجستان حکم بازداشت **ساکاشویلی** را در غیاب او صادر کرد.

بالاخره، مقام مسؤول کشور پس از گزینش نامزدهای دلخواه خود لیست اعضای هیأت دولت را برای اخذ رأی اعتماد به مجلس جدید تقدیم نمود. واضح است که چون همه توافقات در مورد تقسیم مقام وزارت در هیأت دولت ائتلافی بود، بنا بر این هیچ جای شگفتی ندارد.

رادا (عنوان مجلس اوکراین. م) چنان مسرور بود، که به همه اعضای کابینه یکجا رأی داد. ۲۸۸ نفر عضو ائتلاف بلوک پتر پاراشنکو، «جبهه خلق»، «کمک به خود»، احزاب تندرو و «برادری» از میان ۳۰۲ نماینده مجلس به هیأت دولت به ریاست **آرسن یاتسنیوک** رأی اعتماد داد. البته، بیست نفر نماینده هم پیدا شدند که ضمن دادن رأی مخالف، مضحکه تقاضای رأی جداگانه به هر وزیر را پیش کشیدند. حتی برخی ها فریاد زدند: «شرم آور است». اما صدای آنها را در میان هیاهوی تأیید عمومی خفه کردند.

به هر حال، **رادا** برای خرسندی خود دلیل داشت. ترکیب اعضای دولت جدید یک «آش شله قلمکار» باب طبع همه آنهایی بود که آن را پختند. همه فراکسیونهای تشکیل دهنده اکثریت مجلس، کیف یا پوشه وزارتی دریافت کردند.

با این حال، گماردن اتباع کشورهای خارجی به مقام دولتی فتنه اصلی در همه انتصاب ها بود. وانگهی، وزارتخانه های کلیدی کشور به کنشگران وارداتی سپرده شد. در مقابل آن، سایر وزارتخانه ها، مثلاً وزارت ورزش و جوانان، فرهنگ یا آموزش و پرورش به اتباع اوکراین واگذار گردید. اگر این را هم در نظر بگیریم که ورزش مدتهاست به فراموشی سپرده شده، جوانان به امان سرنوشت رها شده اند، بودجه ناچیز وزارت فرهنگ آن را به یک وزارتخانه بیهوده تبدیل کرده است و کتابهای درسی تاریخ طوری تدوین گردیده که زبده ترین کارشناسان را گیج می کند، ماهیت این انتصابات باز هم واضح تر می شود.

یک موضوع دیگر، پستهای هستند که جریانهای عظیم مالی به سوی آنها سمت داده شده است. قابل توجه این که آنها را کارشناسان ماورای اقیانوسی در پناه خود گرفته اند. این واقعیت که همین کارشناسان تا همین دیروز گذرنامه کشورهای دیگر را در جیب لباسهای گرانقیمت خارجی خود داشتند، از نظر حاکمان کثیف فاجعه نیست. با یک اشاره **پاراشنکو** و با تخلف از موازین قانونی، فوراً تابعیت اوکراینی به آنها اعطاء کردند.

تحلیلگران سیاسی اوکراین امروز هیجان زده اصرار دارند، که افراد خارجی را گویا برای ریشه کن ساختن فساد و قوم و خویش پرستی دعوت کرده اند. به عنوان مثال، وزیر اخیراً منصوب شده توسعه اقتصادی و بازرگانی اوکراین، تبعه ۳۸ ساله لیتوانی، **آیواراس آبرامویچوس** سابق، و تبعه فعلی اوکراین، به طور کلی نیاز خاصی به پول ندارد. او بلافاصله پس از انتصاب خود اظهار داشت: «من شخصاً مسأله پاداش در قبال کار در دولت اوکراین را مورد بحث قرار ندادم. این حقوق ماهانه، به طور مسلم، بسیار کم است». اما او پیگرانه به «سرمایه گذاری» روی آورد. واقعاً هم وزیر کنونی اوکراین، متولد لیتوانی، دانشجوی سابق دانشگاه «کونکورديا»ی کانادا، طی ۲۰ سال همکار بزرگترین بانک جمهوری استونی- «**هانسبانک**» بود، که بعدها با **سوند بانک** امتزاج نمود. دیری نگذشت که خود **آبرامویچوس** برای شرکت در پروژه های تجاری **اینترنت- کارگزاری** در بازارهای در حال توسعه به سویدن سفر کرد. پس از آن، از راه مسکو خود را به کنیف رساند. او از سال ۲۰۰۸ رئیس دفتر کمپانی «**ایست کاپیتال**» (سرمایه شرق. م)، سهامدار چندین بانک بزرگ اوکراین در کنیف بود. کسب چنین شهرتی در اوکراین بدون داشتن بن و ریشه در نظام تجاری و سیاسی آن، در فسادی که اکنون در هر گوشه کنیف خودنمایی می کند، بسختی ممکن بود.

وزیر جدید مالیة اوکراین، تبعه آمریکا، شهروند امروزی اوکراین **ناتالیا یارسکو** نیز به نوبه خود اظهار داشت، که هنوز هیچ صحبتی در باره حقوق وزارتی نکرده است. با این حال، «بی غرضی» او در قبول مقام جدید آنقدرها که منافع سیاسی در پی دارد، منافع تجاری ندارد. **ناتالیا یارسکو**، که در آمریکا در محیط مهاجرتی به دنیا آمده و فارغ التحصیل دانشگاه خصوصی در سالهای ۱۹۹۰ می باشد، سالهای زیادی در بخش اقتصاد وزارت امور خارجه آمریکا مشغول به کار بود، پس از آن به کنیف آمد و ریاست شعبه اقتصاد سفارت آمریکا را در اوکراین بر عهده گرفت. در اینجا نیز خدمات تجاری را جایگزین خدمات دیپلوماتیک خود نمود و چندی بعد، مدیریت بنیاد خصوصی بین المللی سرمایه گذاری در کسب و کار کوچک و متوسط را عهده دار شد. در سال ۲۰۰۶، پس از انقلاب «نارنجی»، **یارسکو** دوباره به صحنه سیاسی بازگشت و کسب و کار خود را با عضویت در کمیته مشورتی مسائل سرمایه گذاری خارجی در دوره ریاست جمهوری **یوشچنکو** هماهنگ نمود. خلاصه کلام، خانم **یارسکو** در نظام سیاسی بزرگ اوکراین نه این که یک «فرد جدید»، بلکه، یک گرگ باران دیده است.

الکساندر کویتاشویلی ۴۴ ساله، تنها فرد سوم خارجی ظاهراً بی ارتباط با پشت صحنه سیاسی اوکراین است، که کنیف او را به مقام وزیر تعیین نمود. شایان توجه است که او همانطور که کمترین مناسبتی با پست احراز وزیر بهداشت در موطن خود نداشت، هیچ ارتباطی هم با مقام مشابه آن در اوکراین ندارد. **الکساندر کویتاشویلی** در تقابلی به دنیا آمده، در رشته تاریخ تحصیل نموده و تز پایان تحصیلی خود را به «تاریخ معاصر اروپا و آمریکا» اختصاص داده است. با این حال، چون حرفه علمی **کویتاشویلی** ثمر نداد، او برای تحصیل به دانشگاه خدمات دولتی آمریکا در نیویورک رفت و پس از اشباع در رشته مدیریت، به گرجستان برگشت و در آنجا به عنوان کارمند مالی- اداری دفتر برنامه توسعه سازمان ملل متحد در شعبه گرجستان به کار مشغول گردید. پس از این در سال ۲۰۰۸، این مؤرخ دارای گرایشات بوروکراتیک به جایگاه مقام وزیر کار و تأمین اجتماعی گرجستان ارتقاء یافت. به گفته **یاتسنیوک**، نخست وزیر اوکراین، **الکساندر کویتاشویلی** با انجام وظیفه در این پست تا سال ۲۰۱۳، گویا بانی موفقیت‌های بزرگی بوده و اکنون برای تکرار دستاوردهای خود در عرصه بهداشت و تندرستی اوکراین دعوت شده است.

اما، کاملاً واضح است، که چرا حاکمیت کنیف از این کاسبکاران سیاسی برای احراز مقام دولتی دعوت به عمل آورده است. ممکن است این انتصابها با سفارش اکید اربابان ماورای اقیانوسی باشد. احتمال دارد این منصوبین باید نقش ضامن های معتمد را برای سرمایه گذاران غربی و اعتباردهندگان ایفاء نمایند.

در هر صورت، تعیین وزرای هیأت دولت جدید باعث تشدید شک و گمان بسیاری از متخصصان رشته های مختلفی گردید، که اکنون تحت مدیریت افراد خارجی اداره می شوند. همچنین، فراکسیون پارلمانی مخالف علیه این انتصابها رأی داد، منتها به واقع بیهوده و بی تأثیر. رئیس فراکسیون «جبهه مخالف» در پارلمان خشمگین شد و گفت: «ما به این وزراء به دلیل این که نمی فهمیم چرا از میان چهل میلیون جمعیت اوکراین ده نفر شهروند لایق اوکراین یافت نشد، رأی ندادیم».

بلی، یعنی یافت نشد. همانطور که کسی یافت نشد میدان را که در نهایت به بالاترین مقام کشور رسید و اکنون «ویکینگها» را به اطراف خود جمع می کند، بفهماند. به هر حال، اصلاً جای شگفتی ندارد. به مصداق ضرب المثل معروف، پاپ لایق اهل محله است.

پاورقی مترجم:

«آنکه عمری هوس سوختن ما می کرد کاش می آمد و این سوز تماشا می کرد».

بیائید و ببینید! در اخبار جمهوری اوکراین تعمق کنید! آنهایی که قسم می خوردند، اظهار خرسندی می کردند، دلیل و سند می آوردند که «اتحاد شوروی فروپاشید»، امروز بیایند جواب دهند! کدام «فروپاشی»؟! باید توضیح دهند که چرا تخریب و تجزیه، نه!

فاشیسم لجام گسیخته جهانی، این بار در اوکراین نمود بشدت علنی یافته است. گستاخی و وقاحت امریکا و اتحادیه اروپا را در اوکراین ببینید!

اوکراین صنعتی، اوکراین اتمی، دهمین صادر کننده تسلیحات در جهان را امروز به وضعیتی به مراتب بدتر از وضعیت افغانستان، عراق، لیبیا، سومالیا، سوریه و سایر کشورهای جنگ زده دچار کرده اند. غرب «متمدن» در اوکراین نیز مثل سایر فتوحات خود، جنگ همه علیه همه راه انداخته؛ انسان اوکراینی دیگر سیاه را از سفید تمیز نمی دهد؛ دانشجو به جای استادش و دانش آموز به جای آموزگارش سطل آشغال می گذارد؛ هر گروه و دسته ای به دنبال تشکیل «میدان» خود است؛ مزدوران و مأموران خرابکاری خارجی به مقام وزارت و صادرات گمارده می شوند؛ ... البته، سرآغاز همه این فجایع همواره و در همه جا طرح شعارهای عوامفریبانه، از محتوا تهی شده و «نفهم پرور» دمکراسی و حقوق بشر فاشیستی- صهیونیستی بوده و همچنان هم هست.

امروز باید بیش از همیشه مراقب افراد و جریانهای بود که با طرح ریاکارانه چنین شعارها و یا با بزرگنمایی مشکلات عدیده و نارسائی های مزمن جوامع سرمایه داری در موطن خود، سعی می کنند گستاخی و وقاحت رژیمهای استعمارگر و ذاتاً جانی غرب را به فراموشی بسپارند؛ تروریسم دولتی رژیمهای فاشیستی امریکا و اروپا را در سایه قرار دهند و کشور خود را به زیر یوغ استعمار غرب بکشانند.

<http://sovross.ru/modules.php?name=News&file=article&sid=598620>

۲۲ آذر - قوس ۱۳۹۳